

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

اشعار لاهوتی
فرستنده : جاوید
۱۹ جنوری ۲۰۲۱

(کوهکن)

اگر چه روزگار من سیاه است
سحرها، خاک صحرای عرب را
چو شب، درچاه مغرب می رود خور
به پیش خود، چو بینم کهکشان را
بخار از دم موتور، از سینه سازم
ز گرما، چون تتم بی تاب گردد
و گر خواهم ببینم روی صحرا
سحر، چون خور ز مشرق حمله آرد
دوباره ناخنان، چون تیشه حاضر
خلاصه آنچه را در عشق شیرین
نه می گریم نه شیون می کنم من
به ناخن کنده، مامن می کنم من
برون سر را ز مدفن می کنم من
خیال از راه آهن می کنم من
چو ماشین، رو به رفتن می کنم من
ز بوران، باد بیزن می کنم من
چراغ از برق، روشن می کنم من
دوباره فکر مردن می کنم من
برای گور گذن می گنم من...
نکرده کوهکن، من می گنم، من